



Islamic Maaref University

Scientific Journal

PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ


Vol. 18, Spring 2025, No. 67

Normative Foundations of Professional Ethics in Rescue and Relief: A Methodological Approach to Three Fundamental Questions

Mehdi Fadaei¹ \ Morteza Khoshneviszadeh²

1. Assistant Professor, Department of Ethics and Education,
Baqir al Ulum University, Qom, Iran (Corresponding Author).
fadaei.ac@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Isfahan University of
Medical Sciences, Isfahan, Iran.
591122@gmail.com

Abstract Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> 	<p>Professional ethics in rescue and relief constitutes a subfield of applied ethics. This field applies general ethical theories, standards, and principles to rescue operations while examining and resolving their ethical issues and challenges. Presuppositions such as the normative foundations of rescue ethics, general ethical principles in this domain, and appropriate methods for resolving moral conflicts significantly influence ethical decision making in rescue contexts. This article analyzes the position of rescue and relief within Islamic teachings and examines four major foundations of rescue ethics in response to the central question: “What are the theoretical foundations of rescue and relief ethics?” The research aims to systematize the normative foundations of rescue ethics and to propose a crisis decision making algorithm. Using a documentary–analytical method and resources from applied ethics, alongside Islamic methodological approaches, the study designs an operational framework compatible with triage systems. Key findings include: (1) responsibility is grounded in collective or individual obligation to rescue; (2) normative impartiality constitutes a legal professional obligation and negates identity based bias; (3) tools should be reclassified into virtues (such as anger control) and decision support techniques (such as reversibility); and (4) a four stage, anti bias decision procedure is proposed.</p>
<p>Received: 2024/11/02</p> <p>Accepted: 2025/03/06</p>	
<p>Keywords</p>	<p>Theoretical foundations; applied ethics; rescue and relief ethics; principlism; contextualism; responsibility; impartiality.</p>
<p>Cite this article:</p>	<p>Fadaei, Mehdi & Morteza Khoshneviszadeh (2025). Normative Foundations of Professional Ethics in Rescue and Relief: A Methodological Approach to Three Fundamental Questions. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i>. 18 (1). 147-166. DOI: 10.22034/18.67.147</p>
<p>DOI:</p>	<p>https://doi.org/10.22034/18.67.147</p>
<p>Publisher:</p>	<p>Islamic Maaref University, Qom, Iran.</p>

الأسس المعيارية لأخلاقيات الإغاثة والإنقاذ المهنية: مقاربة منهجية لثلاثة أسئلة أساسية

مهدي فدايي^١ / مرتضى خوشنويس زاده^٢

١. أستاذ مساعد، قسم الأخلاق والتربية، جامعة باقر العلوم عليه السلام، قم، إيران (المؤلف المسؤول).

fadaei.ac@gmail.com

٢. أستاذ مساعد، قسم المعارف الإسلامية، جامعة العلوم الطبية بأصفهان، أصفهان، إيران.

591122@gmail.com

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	تدرج أخلاقيات الإغاثة والإنقاذ المهنية ضمن حقل الأخلاق التطبيقية، حيث تُعنى بتطبيق النظريات والمعايير والمبادئ الأخلاقية العامة في مجال الإغاثة والإنقاذ، ومعالجة ما يطرأ فيه من قضايا وتحديات أخلاقية. وتؤثر افتراضات قبلية، مثل الأساس المعياري لأخلاق الإغاثة، والمبادئ الأخلاقية العامة، والمنهج المناسب لحل حالات التزاحم، في معالجة هذه القضايا. تتناول هذه المقالة، من خلال تحليل موقع الإغاثة والإنقاذ في التعاليم الإسلامية، أربعة أسس رئيسة للإجابة عن السؤال المحوري: «ما الأسس النظرية لأخلاقيات الإغاثة والإنقاذ؟». ويهدف البحث إلى بلورة الأسس المعيارية لهذا المجال وتقديم حوارية لاتخاذ القرار في الأزمات، بالمنهج الوثائقي - التحليلي، مع الاستفادة من مصادر الأخلاق التطبيقية، ومراعاة الأساليب المتداولة في العلوم الإسلامية، وتصميم إطار تنفيذي منسجم مع نظام الفرز الطبي. ومن أبرز النتائج:
تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٤/٢٩	١. تركز المسؤولية على وجوب إنقاذ النفس وجوباً كفاً أو عينياً؛ ٢. الحياد المعياري التزام شرعي - مهني وينفي الانحياز الهوياتي؛ ٣. إعادة تصنيف الأدوات ضمن الفضائل (ككظم الغيظ) وتقنيات دعم القرار (كالتبليغ للعكس)؛ ٤. اقتراح «إجراء قرار» رباعي المراحل مضاد للتحيز.
تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٩/١٥	الأسس النظرية، الأخلاق التطبيقية، أخلاقيات الإغاثة والإنقاذ، المبدئية، السياقية، المسؤولية، الحياد.
الألفاظ المفتاحية	فدايي، مهدي و مرتضى خوشنويس زاده (١٤٤٦). الأسس المعيارية لأخلاقيات الإغاثة والإنقاذ المهنية: مقاربة منهجية لثلاثة أسئلة أساسية. مجلة علمية النشرة الاخلاقية. ١٨ (١). ١٦٦ - ١٧٧. DOI: 10.22034/18.67.147
الاقتباس:	https://doi.org/10.22034/18.67.147
رمز DOI:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.
الناشر:	



پژوهش‌نامه اخلاق

سال ۱۸، بهار ۱۴۰۴، شماره ۶۷

مبانی هنجاری اخلاق حرفه‌ای امداد و نجات؛ رهیافتی روش‌شناختی به سه پرسش بنیادین

مه‌دی فدایی^۱ / مرتضی خوشنویس‌زاده^۲

۱. استادیار، گروه اخلاق و تربیت، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

fadaei.ac@gmail.com

۲. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

591122@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۱۶۶ - ۱۴۷)	اخلاق حرفه‌ای امداد و نجات از زیرمجموعه‌های حوزه مطالعاتی اخلاق کاربردی است. این حوزه به کاربرد نظریه‌ها، معیارها و اصول عام اخلاقی در امداد و نجات پرداخته و مسائل و چالش‌های اخلاقی آن را بررسی و حل می‌کند. پیش‌فرض‌هایی مانند مبانی هنجاری اخلاق امداد، اصول عام اخلاقی در این حوزه و روش مناسب حل نزاعات در امداد و نجات، در حل مسئله‌های اخلاقی امداد و نجات تأثیرگذار است. در این مقاله، ضمن تحلیلی از جایگاه امداد و نجات در آموزه‌های اسلامی، چهار مبانی مهم در اخلاق امداد و نجات در جهت پاسخ به پرسش اصلی «مبانی نظری اخلاق امداد و نجات کدام است؟» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش با هدف صورت‌بندی مبانی هنجاری اخلاق امداد و نجات و ارائه الگوریتم تصمیم در بحران انجام شد. اسنادی - تحلیلی با استفاده از منابع اخلاق کاربردی و با نگاهی به روش‌های مرسوم در علوم اسلامی و طراحی چهارچوب اجرایی همساز با تریاز، برخی از یافته‌ها و نتایج عبارت‌اند از: ۱. مسئولیت‌پذیری بر وجوب کفایی / عینی نجات استوار است؛ ۲. بی‌طرفی هنجاری الزام شرعی - حرفه‌ای و نافعی جانبداری هویتی است؛ ۳. ابزارها باید به فضایل (کظم غیظ)، تکنیک‌های تصمیم‌یار (عکس‌پذیری) بازطبقه‌بندی شوند؛ ۴. یک «رویه تصمیم» چهارمرحله‌ای ضدسوگیری پیشنهاد می‌شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶	
واژگان کلیدی	مبانی نظری، اخلاق کاربردی، اخلاق امداد و نجات، اصل گرایی، بافت‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، بی‌طرفی.
استناد:	فدایی، مه‌دی و مرتضی خوشنویس‌زاده (۱۴۰۴). مبانی هنجاری اخلاق حرفه‌ای امداد و نجات: رهیافتی روش‌شناختی به سه پرسش بنیادین. <i>پژوهشنامه اخلاق</i> . ۱۸ (۱). ۱۶۶ - ۱۴۷. DOI: 10.22034/18.67.147
کد DOI:	https://doi.org/10.22034/18.67.147
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

اخلاق هنجاری، دانشی است که شناسایی قواعد اخلاقی عام را دنبال می‌کند. اخلاق کاربردی یا کاربردی که «اخلاق عملی»^۱ یا گاهی «اخلاق مسئله‌محور» نیز نامیده می‌شود (پینکافس، ۱۳۸۲: ۹۷ به بعد) مطابق فهم مشهور به دنبال این است که قواعد اخلاقی عام را که در اخلاق هنجاری کشف شده‌اند، در افعال، تجربه‌ها یا سازمان‌های خاص به کار بندد. براساس این فهم مشهور، اخلاق کاربردی عبارت است از «کاربرد نظریه‌ها، معیارها و اصول عام اخلاقی در عرصه‌های خاص زندگی و مسائل و چالش‌های اخلاقی»^۲ برآمده از آن (اسلامی، ۱۴۰۰: ۸).

بر اساس این تعریف، اخلاق امداد و نجات به دنبال کاربرد نظریه‌ها، معیارها و اصول عام اخلاقی مانند صداقت، انصاف و همدلی در عرصه‌های امداد و نجات و چالش‌های برآمده از موقعیت‌های خطیر امداد و نجات در صحنه و روابط سازمانی آن است. نوپایی، پریسامد از جهت مسئله‌های پیچیده حقوقی، فقهی و اخلاقی، ضعف محتوای علمی، عرصه را برای پرداخت به این حوزه مطالعاتی فراهم آورده است. از منظر روش‌شناختی، حل مسئله اخلاقی در حوزه‌های کاربردی مثل امداد و نجات نیازمند به اتخاذ موضع در پیش‌فرض‌ها و مبانی آن است. به‌عنوان مثال، در موقعیتی که امدادگر میان نجات جان یک دختر و مادر آن دختر بچه قرار گرفته است، ممکن است هر یک از راهبردهای قاعده‌گرایی و قرینه‌گرایی در اخلاق کاربردی، پاسخی متفاوت از هم ارائه دهند؛ لذا تعیین مبنا در اینجا بسیار مهم و حیاتی است. مضافاً اینکه، رشد و توسعه یک حوزه مطالعاتی در گرو ساخت یک سیستم به هم پیوستگی و منسجم است و مبانی نظری از پیش‌ران‌های مهم یک سیستم پویا است.

با نگاه روش‌شناختی، حداقل سه پرسش فرعی ذیل پرسش اصلی «مبانی نظری اخلاق امداد و نجات کدام است؟» قابل طرح است:

۱. مبنای هنجاری اخلاق امداد و نجات چیست؟
۲. اصول عام اخلاقی در اخلاق امداد و نجات کدام است؟ (اصل مبنایی که اصول دیگری را می‌توان از آن استنتاج کرد).

۳. راهبرد کلان در حل تزاخمت اخلاقی در موقعیت‌های خطیر امداد و نجات کدام است؟

پاسخ به این سه پرسش، چهار مبنای نظری در حوزه اخلاق امداد و نجات را پیش کشیده که در این

1. Practical Ethics.

۲. تعابیر مختلفی برای اشاره به چالش‌های اخلاقی وجود دارد، از جمله دوره‌های اخلاقی، معماهای اخلاقی، تعارضات اخلاقی، تزاخمت اخلاقی و ... همه این تعابیر، به‌رغم تفاوت‌های منطقی‌ای که دارند و در محل خود قابل قبول‌اند، در یک چیز مشترک‌اند: وضعیتی که وظیفه اخلاقی عامل اخلاقی روشن نیست.

مقاله گام‌های اولیه آن برای شکل‌گیری یک سیستم منسجم و پویا با عنوان «اخلاق امداد و نجات» برداشته شده است.

در ادامه مقاله، ضمن اشاره به جایگاه امداد و نجات در آموزه‌های اسلامی، چهار مبنای نظری در پاسخ به سه پرسش بالا تبیین شده است.

الف) جایگاه امداد و نجات در آموزه‌های اسلامی

در شبکه اندیشه‌ای یک مسلمان، همه هنر یک انسان مؤمن، اتصاف به اوصاف انسان‌وارانه خداوند است؛ صفاتی مانند صبر، حلم، قدرت، علم و ... امداد به غیر به‌عنوان یک رفتار اخلاقی، برگرفته شده از اوصافی مانند خیرخواهی و رحمت الهی است. اساساً امداد، به‌عنوان یک قانون کائناتی قطعی (سنت الهی) در رابطه میان خدا با انسان جاری است. بر مبنای این سنت، خداوند متعال تمامی بندگان خویش را اعم از خوبان و بدان، در راه دستیابی به اهدافشان، یاری می‌رساند و آنان را در به ثمر نشستن تلاش‌هایشان کمک می‌کند. آیات بسیاری در این زمینه وجود دارد؛ یکی از آیاتی که می‌تواند معنای امداد در این مقاله را شامل باشد، مربوط به آیه ۲۰ سوره اسراء است:

كُلًّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (اسراء / ۲۰).

هر دو [دسته: اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم، و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است.

اتصاف به اخلاق الهی، در اینجا به این معناست که همان‌طور که خداوند بدون ملاحظه برچسب ایمان و کفر، در این دنیا به هر کس امداد می‌رساند، انسان مؤمن نیز باید بدون برچسب ایمان و کفر، به امداد و نجات دیگران خصوصاً در موقعیت‌های مربوط به نیازهای اولیه مثل حیات، غذا، مسکن، سلامتی و پوشاک بپردازد. مضاف بر این، اهتمام به امور دیگران، در سیستم ارزش‌های دینی، در اولویت‌های بالاتر قرار دارد، به‌گونه‌ای که در نگرش تاجرمانبانه، اجر و ثواب بالایی برای مدد‌رسانی و کمک به دیگران شمارش شده است.

ب) پیش‌فرض‌ها و مبانی در اخلاق امداد با نگاه دینی

از میان مبانی و پیش‌فرض‌های نظری در حوزه اخلاق امداد و نجات چهار مبنا در ادامه ناظر به سه پرسش طرح‌شده بررسی می‌شود.

۱. البته این سطحی از امداد است؛ و الا سطحی دیگر از امداد که ناظر به نجات و هدایت خاص است مخصوص مؤمنین است (انبیاء / ۸۷).

مبنای اول: اصل‌گرایی به‌عنوان مبنای هنجاری اخلاق امداد و نجات

نمونه زیر را ملاحظه فرمایید:

در عملیات امداد و نجات برای حملات هواپایه و مدل‌سازی فرایندها و تعاملات مربوط به گروه‌های جست‌وجوگر، آزادساز و تیم پزشکی، طی یک تحقیق شبیه‌سازی‌شده نشان داده شده است که در حل مسئله هماهنگ‌سازی سیستم‌های چندعاملی، استفاده از پروتکل قرارداد شبکه به‌عنوان ابزار هماهنگی و تخصیص وظایف، سبب بهبود رفتار سیستم شده و نتایج قابل توجهی در زمینه هماهنگی میان عوامل یک سیستم چندعاملی را موجب می‌شود (هوشنگی و رستمی، ۱۳۹۹: ۵۱).

حال فرض کنید عامل‌های دخیل در عملیات امداد و نجات هواپایه در یک موقعیت دچار اختلاف شده‌اند؛ مثلاً در موقعیت مکانی X دو خانواده غیرمسلمان هستند و در موقعیت مکانی Y دو خانواده مسلمان حضور دارند و هر دو نیز از جهت امداد و نجات در سطح یک قرار دارند. یک گروه به دلیل نزدیکی مکانی قائل به کمک به X است، ولی گروه دیگری به دلیل مداخله علقه‌های مذهبی قائل به کمک به Y است هرچند از لحاظ مکانی فاصله بیشتری وجود دارد.

اخلاق امداد و نجات، در چنین موقعیتی چه حکمی برای گروه‌های جست‌وجوگر، آزادساز و تیم پزشکی جهت رفع این مشکل می‌تواند ارائه دهد؟

استفاده از نظریه‌های کلان اخلاقی توسط امدادگران برای حل مسئله اخلاقی به دلیل فاصله‌ای که میان مباحث نظری کلان اخلاقی و اخلاق مشترک قابل فهم وجود دارد، عملاً سردرگمی ایجاد کرده و در موقعیت‌هایی مانند نجات جان یک انسان یا تصمیم‌گیری‌های حیاتی در نجات و امداد به دیگران مخل خواهد بود. از سوی دیگر، رها کردن این نظریه‌ها و به‌کارگیری قواعد جزئی برای توجیه مسائل اخلاق امداد و نجات یک بی‌نظمی، اختلال سیستماتیک و خودسرانه عمل کردن را به دنبال خواهد داشت. از منظر اخلاق پژوهان، پیشنهاد منطقی این است که در اخلاق کاربردی، به جای مراجعه به نظریه اخلاقی یا قواعد جزئی اخلاقی، به اصول اخلاقی مراجعه کنیم (Beauchamp, 2009: 387 - 389). به این رویکرد «اصل‌گرایی اخلاقی»^۱ گفته می‌شود؛ هر چند این اصطلاح برای نخستین بار به‌عنوان برچسبی از سوی مخالفان این رویکرد جعل شد (ibid: 371) و گویا طرفداران ترجیح می‌دهند که از اصطلاح «اصل‌بنیاد»^۲ استفاده کنند (Childress, 2009:67). نصاب یک رویکرد اصل‌محور آن است که بپذیرد برخی هنجارها یا رهنمودهای عملی در استدلال اخلاقی محوریت دارند. برخی از این هنجارها ممکن است از

1. Principlism.

2. Principle - based.

اصول تلقی شوند، برخی دیگر ممکن است از قواعد باشند. هم قواعد و هم اصول، رهنمودهایی کلی هستند که مشخص می‌کنند چه رفتارهایی در چه شرایطی ممنوع، الزامی، یا مجاز هستند. واژه اصول همانند واژه هنجارها، گاه به معنایی به کار برده می‌شود که هم شامل اصول و هم شامل قواعد می‌شود، ولی گاهی نیز اصول را به معنای هنجارهای عام و قواعد را به معنای هنجارهای خاص‌تر به کار می‌برند (اسلامی، ۱۴۰۰: ۲۴۰).

در هر یک از حوزه‌های اخلاق کاربردی، این اصول عام به اقتضای مسائل و چالش‌های آن حوزه، عمومیت آن اصول، میزان کارایی آنها و ... استخراج و مورد ارزیابی قرار گرفته است.^۱ به‌عنوان نمونه، در اخلاق زیستی، در کتاب اصول اخلاق زیست‌پزشکی، بیشامپ و چیلدرس چهار اصل: احترام به استقلال، پرهیز از آزار، نیکوکاری (شامل فایده‌مندی)، و عدالت را به‌عنوان اصول اولیه، و قواعدی چون: «راست‌گو باش»، «به وعده‌هایت عمل کن»، «حریم دیگران را حفظ کن»، و «در اطلاعاتی که دیگران از روی اعتماد به تو سپرده‌اند تصرف نکن» را به‌عنوان قواعد فرعی، در کنار قواعد گوناگون دیگری مانند الزام به اخذ رضایت آگاهانه از بیمار یا موضوع آزمودنی آینده، معرفی می‌کنند. طبق این نظر، قواعد فرع بر اصول پیشینی خود هستند، چون در اصول پیشینی تعبیه شده‌اند. برای مثال «راست‌گو باش» از اصل احترام به استقلال قابل اخذ است، زیرا مردم نمی‌توانند بدون اطلاعات صحیح تصمیمات مستقل بگیرند (اسلامی، ۱۴۰۰: ۲۴۵ - ۲۴۴).

در اخلاق امداد و نجات نیز، به اقتضای مسائل اخلاقی آن، مخاطرات امداد و نجات، فوریت و حساسیت تصمیم‌گیری، مشارکت در امداد و ... می‌توان اصول عام اخلاقی‌ای مانند مسئولیت‌پذیری، بی‌طرفی، همدلی، عفت، امانت‌داری و موارد دیگر را پیشنهاد داد.^۲

پردازش این مسئله که کدام‌یک از اصول عام اخلاقی، به‌عنوان اصول مشترک در حوزه امداد و نجات گزینش شود و در اسناد اخلاقی و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی مورد استناد قرار گیرد، در پژوهش‌های تفصیلی از سوی اخلاق‌پژوهان باید دنبال شود؛ اما آنچه می‌توان از دل آموزه‌های اسلامی و نیز اسناد بالادستی جمعیت هلال احمر، خصوصاً با نگاه اخلاق مشترک جهانی به دست آورد، عمومیت دو اصل

۱. معیار انتخاب اصول به عوامل مختلفی بستگی دارد. یکی از مهم‌ترین این عوامل نظریه اخلاقی مختار است؛ به‌عنوان نمونه، نظریه اخلاقی ارسطویی اصل اعتدال را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول معرفی می‌کند و یا نظریه اخلاق مراقبت، به اصولی مانند شفقت و مهربانی به‌عنوان اصول عام توجه دارد. معیار دیگر سطح فراوانی یک اصل در حل چالش‌های اخلاقی آن عرصه است. ورود به این عرصه خود مجال و تحقیق دیگری را می‌طلبد که به این مسئله بپردازد که معیار انتخاب این اصول در حوزه امدادگری کدام است؟

۲. البته باید توجه داشت که سه راه عمده را برای پیوند اصول به قضاوت‌های موردی و جزئی می‌توان به کار گرفت: ۱. کاربرد، که به معنای کاربرد قیاسی اصول و قواعد است؛ ۲. تقیید و تعیین، که با «سازگار کردن کیفی هنجارها با موردها» از طریق تشخیص کیستی، چیستی، و کجایی موقعیت‌های جزئی به پیش می‌رود؛ ۳. تعادل یا متوازن‌سازی، که به معنای سبک و سنگین کردن اصول متعارض به منظور تعیین ارجحیت یکی از آنها نسبت به موقعیت مورد نظر است.

اخلاقی مسئولیت‌پذیری و بی‌طرفی است. امداد و نجات با مسئولیت‌پذیری و بی‌طرفی عجین شده است. در ادامه، دو اصل عام اخلاقی مسئولیت‌پذیری^۱ و بی‌طرفی^۲ را به‌عنوان دو مبنای دیگر اخلاق امداد و نجات، تبیین می‌کنیم.

مبنای برگزیدن دو اصل «مسئولیت‌پذیری» و «بی‌طرفی» این است که هر دو:

الف) شمول و تقدم هنجاری در وضعیت‌های تراحم دارند (تقدیم حفظِ نفس و لزومِ عدل). در موقعیت‌های بحرانی که ارزش‌ها با هم تراحم می‌کنند، «حفظِ نفس» و «عدل» دو قاعده دارای تقدم‌اند؛ اولی ناظر به اصالت جان و دومی ناظر به توزیع منصفانه منابع و فرصت نجات. وقتی زمان طلایی محدود است، هر اصل یا فضیلتی که نتواند به نجات عینی منجر شود باید ذیل این دو اصل تنظیم شود. بدین‌سان، مسئولیت‌پذیری تضمین می‌کند که «اقدام» بر «تعلل» مقدم شود و بی‌طرفی تضمین می‌کند که «عدل» بر «جانبداری» پیشی بگیرد.

ب) پشتوانه دوگانه شرعی - عقلانی دارند (ادله قرآنی / روایی و قواعد فقهی اهمّ‌ومهم، لاضرر، اضطراب از یک‌سو و ملاحظات عقل عملی و استانداردهای حرفه‌ای امداد از سوی دیگر). مسئولیت‌پذیری بر ادله قرآنی / روایی حرمت نفس و وجوب اغاثه و قواعدی چون اهمّ‌ومهم، لاضرر و اضطراب تکیه دارد؛ بی‌طرفی نیز بر نهی از تعصب و لزوم عدالت حتی نسبت به غیرهمکیشان. از سوی دیگر، عقل عملی و استانداردهای حرفه‌ای امداد، همین دو اصل را شرط کارآمدی نظام نجات می‌دانند؛ زیرا بدون مسئولیت‌پذیری اقدام رخ نمی‌دهد و بدون بی‌طرفی، منابع به ناحق تخصیص می‌یابد و اعتماد عمومی فروری‌ریزد.

ج) قابلیت عملیاتی‌سازی و ممیزی دارند و به شاخص‌ها و رویه‌های میدانی تریاژ (ثبت و بازبینی تصمیم، کورسازی حداقلی) قابلیت ترجمه شدن دارند. هر دو اصل به رویه‌های میدانی روشن قابل ترجمه‌اند: در مسئولیت‌پذیری، شاخص‌هایی چون زمان پاسخ، آغاز سریع «CPR / ABC» و پوشش امدادی تعریف می‌شود؛ در بی‌طرفی، ابزارهایی مانند تریاژ مبتنی بر شدت، ثبت و بازبینی تصمیم، کورسازی حداقلی اطلاعات هویتی و استفاده از هم‌داوری (check - peer) به کار می‌رود. چون این رویه‌ها قابل اندازه‌گیری‌اند، امکان ممیزی و پاسخ‌گویی سازمانی نیز فراهم می‌شود.

۱. اصل هفتم از منشور اخلاقی جمعیت هلال احمر به این اصل اشاره دارد: پایبندی به فرهنگ کار و تلاش و التزام به اجرای صحیح و به موقع تعهدات و احساس مسئولیت و تعلق نسبت به جمعیت و ایجاد توازن بین منافع فردی و سازمانی با اولویت‌دهی به منافع سازمانی.

۲. ماده دوم اساسنامه جمعیت هلال احمر به این اصل اشاره دارد؛ اهداف جمعیت عبارت‌اند از: تلاش برای تسکین آلام بشری، تأمین احترام انسان‌ها و کوشش در جهت برقراری دوستی و تفاهم متقابل و صلح پایدار میان ملت‌ها و همچنین حمایت از زندگی و سلامت انسان‌ها بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه تبعیض میان آنها.

د) نقش فرادست: برای انتظام‌بخشی به سایر فضایل و تکنیک‌ها، نقش ایفا می‌کنند (کنترل خشم، عکس‌پذیری، پرهیز از جانب‌داری). فضایی مثل کظم غیظ، شکیبایی و شجاعت و نیز تکنیک‌هایی مانند عکس‌پذیری و بازچینش زاویه دید، بدون چهارچوبی که مقصدشان را تعیین کند ممکن است به نتایج ناهمگون بینجامند. جای دادن آنها ذیل دو اصل مسئولیت‌پذیری و بی‌طرفی، به آنها جهت و حدّ می‌دهد: کنترل خشم برای تضمین بی‌طرفی، و عکس‌پذیری برای تقویت انگیزش اقدام مسئولانه در جهت نجات اولی‌تر.

ه) اجماع‌پذیر و سوگیری‌زدا هستند و امکان توافق میان‌ذهنی تیم‌های امدادی را در لحظات بحرانی افزایش می‌دهند. این دو اصل، نقطه تلاقی آموزه‌های دینی، اخلاق عرفی و استانداردهای حرفه‌ای‌اند؛ لذا بیشترین ظرفیت برای توافق میان‌ذهنی در تیم‌های متکثر را دارند. از منظر روان‌شناختی و سازمانی نیز، تصریح به «مسئولیت در قبال جان» و «بی‌طرفی نسبت به هویت» راه را بر سوگیری‌های گروهی (in - group bias) می‌بندد و تصمیم را از میدان ترجیحات شخصی به میدان معیارهای مشترک منتقل می‌کند.

و) پاسخ‌گو و کمینه‌گرایند؛ یعنی با «کمترین مجموعه کافی» بیشترین هدایت هنجاری و امکان پاسخ‌گویی سازمانی را فراهم می‌کنند. در شرایط فشار زمانی، کثرت اصول می‌تواند تصمیم‌گیر را فلج کند. انتخاب «کمترین مجموعه کافی» یعنی دو اصل مسئولیت‌پذیری و بی‌طرفی، هم هدایت عملی حداکثری می‌دهد و هم سازوکار پاسخ‌گویی را ساده می‌کند: هر تصمیم قابل دفاع است، اگر نشان دهد اقدام به‌موقع برای نجات انجام شده و تخصیص منابع مستقل از جانبداری هویتی بوده است. این سادگی معیارها، کیفیت اجرا و اعتماد عمومی را هم‌زمان افزایش می‌دهد.

مبنای دوم: مسئولیت‌پذیری به‌عنوان اساس اخلاق امداد و نجات

مسئولیت به معنای ضمانت و تعهد است. مسئول چیزی یا کسی بودن، یعنی به گردن او، در عهده او، در ضمان و پای‌بندی او بودن است. بنابراین هرگاه انسان به انجام کاری متعهد می‌شود، در حقیقت مسئولیت انجام آن کار را پذیرفته است. مسئولیت اخلاقی ضامن اجرای گزاره‌های اخلاقی است. نفی این مسئولیت، به نابسامانی‌های اخلاقی و اجتماعی منجر خواهد شد. فرد غیرمسئول دچار سردرگمی و مشکلات روحی و روانی خواهد گشت و هرگونه سعی و کوشش در زندگی برای او بی‌معنا خواهد بود. مسئولیت‌پذیر بودن باعث برقراری یک ارتباط بهتر می‌شود. اشخاص مسئولیت‌پذیر به علت پاسخ‌گو بودن قابل اعتمادترند و جلب اعتماد دیگران از زمینه‌های مهم موفقیت در ارتباط است.

مسئولیت‌های اجتماعی ما چند حالت دارند:

۱. **مسئولیت در مقام اختیار و تسلط:** مانند مسئولیت شرکت X نسبت به پروژه؛

۲. **مسئولیت در مقام وظیفه:** مانند مسئولیت پدر در برابر فرزند و برعکس؛

۳. **مسئولیت در مقام علت:** مانند مسئولیت ناشی از سخنرانی در ناآرامی‌های اجتماعی (هرگاه

سخنرانی علت ناآرامی باشد)؛

۴. **مسئولیت مبتنی بر الزام اخلاقی:** مانند مسئولیت رهگذر درباره نجات مرد نابینا از سقوط در چاه

(دانش، ۱۳۹۷: ۷۰ - ۴۹).

مسئولیت امداد و نجات دیگران، از نوع اول، دوم و چهارم است. البته نوع اول و دوم، زمانی است که امدادگر در سازمان‌های مرتبط مثل جمعیت هلال احمر مشغول به خدمت باشد (به شکل استخدام یا داوطلب)؛ و نوع چهارم اعم از امدادگر داوطلب و فرد معمولی است. مسئولیت از نوع چهارم را می‌توان در تجربه یکی از امدادگران هلال احمر مشاهده کرد:

شب بود بالای پل ایستاده بودم که حس کردم یه چیز سنگینی افتاد داخل آب.

جلو رفتم و با استفاده از چراغ دکه‌ها متوجه شدم یه آدمه.

دست‌ها رو زنجیر کردیم و من رفتم داخل آب رودخانه زاینده‌رود که شدت جریانش، هر آدمی رو می‌تونست با خودش ببره.

بالاخره هرجوری بود تونستم فردی رو که افتاده بود داخل رودخانه بکشم بیرون. خانم نسبتاً جوانی بود.

بعد از احیا و صدای جیغ و هورای مردم،

با همون حال بدش بلند شد، نشست و یه کشیده جانانه زد تو صورتم.

بلند داد زد و گفت به چه حقی منو نجات دادی؟ نمی‌دونستم باید چکار کنم. من وظیفه‌م رو انجام داده بودم. از دستش ناراحت نبودم.

مسئولیت‌پذیری که ناشی از اختیار و خودآگاهی امدادگر باشد، وی را نسبت به ریسک‌پذیری موجه و

دغدغه‌مندی سوق می‌دهد. یک سازمان مبتنی بر امداد و نجات هرچه اثر مسئولیت‌پذیری سازمانی و

منابع انسانی در سازمان را افزایش دهد، به همان میزان:

۱. قانونمند می‌گردد؛

۲. قابل پیش‌بینی خواهد بود؛

۳. اعتمادآفرین خواهد بود؛

۴. موفقیت خواهد داشت.

چنین سازمانی و چنین نیروی انسانی‌ای، یک سازمان و کنشگر اخلاق‌مدار در حوزه امداد و نجات خواهد بود.

مسئولیت‌پذیری در محیطی که مخاطرات بیشتری دارد، میزان اثربخشی بیشتری دارد. این مسئولیت‌پذیری باید ضرب در مشارکت عمومی شود تا در محیط‌های مخاطره‌آمیز مؤثرتر باشد. مفهوم مشارکت امدادی عبارت است از: «کنش اجتماعی داوطلبانه که معطوف به مسئله و حادثه خاصی است و در اشکال مستقیم یا غیرمستقیم و در قالب فعالیت‌های دگریارانه یا خودیارانه به‌گونه‌ای پایدار و تأثیرگذار در جامعه صورت می‌گیرد» (جدی، ۱۳۹۴).

بر اساس آخرین گزارش‌های مکتوب جهانی حوادث، ایران در رأس آسیب‌دیده‌ترین و آسیب‌پذیرترین کشورها قرار دارد. ایران در سطح بین‌المللی جزو کشورهایی است که بین ۵ تا ۹/۹ درصد جمعیت آن در طول سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ در اثر حوادث کشته شده یا آسیب دیده‌اند. کشورهای اتیوپی، کنیا، زامبیا، کوبا، تاجیکستان، هنگ‌کنگ، چین، مغولستان، استرالیا و چند کشور دیگر نیز البته با درصدی به مراتب پایین‌تر در این دسته قرار می‌گیرند؛ اما برحسب آخرین دسته‌بندی‌های مجامع بین‌المللی بعد از حادثه بم (غیرمکتوب)، ایران چهارمین کشور حادثه‌خیز و آسیب‌پذیر دنیا است. پیشتازی ایران در حوزه آسیب‌پذیری و خسارت، عمدتاً متأثر از وقوع پرتکرار حوادث زلزله، سیل، خشک‌سالی و آتش‌سوزی بوده است. آمارهای ستاد حوادث غیرمترقبه کشور و تحقیقات موجود حاکی از خسارات زیاد و متحیرکننده این حوادث در کشوراند؛ بنابراین ضروری است با ضرب مسئولیت‌پذیری از نوع (۱، ۲ و ۴) در مشارکت امدادی، اثر امداد و نجات در این حوادث افزایش و آلام انسانی کاهش یابد:

مسئولیت‌پذیری + مشارکت مردمی = اثر مضاف امداد و نجات در حوادث

توضیح اینکه، مدیریت بحران و اثربخشی تیم در میان شرکت‌های پیشروی امروزی و استفاده از تیم در سازمان به روشی استاندارد تبدیل شده است. شرکت‌ها مزایای متعددی را در بهره‌گیری از تیم‌ها یافته‌اند؛ چراکه اطلاعات بیشتری را تولید، خلاقیت را تهییج و سازش و انطباق با تصمیم‌گیری‌های مهم را تشویق می‌کند. تیم از گروهی از مردم دارای «مسئولیت و منابع کامل عملکرد» تشکیل شده است. تیم‌ها گروهی متنوع از افراد با زمینه‌ها، توانایی‌ها و سطح دانش گوناگون برای به انجام رساندن وظیفه‌ای خاص هستند؛ ثانیاً اعضای تیم برای دستیابی به اهداف پذیرفته‌شده فعالیت می‌کنند (ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۴۶).

مبنای سوم: بی‌طرفی در امداد رسانی

اصل اخلاقی بی‌طرفی امداد و نجات را می‌توان چنین تعریف کرد:

امدادگر موظف است در مورد عمل امداد یا نجات نسبت به فرد x در موقعیت Z و عمل امداد یا نجات نسبت به فرد y در همان موقعیت Z (اعمال و رفتارهای مشابه)، صرف‌نظر از موقعیت‌های اجتماعی فرهنگی افراد و منافع دخیل نسبت به x و y ، تصمیم‌گیری و ارزش‌گذاری مشابهی انجام دهد.

مراد از اصل بی‌طرفی در امداد و نجات این نیست که امدادگر نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و آرمان‌های خویش بی‌طرف باشد، بلکه اصل بی‌طرفی در اینجا به این معناست که با توجه به تعهدی که امدادگر به حقیقت دارد، معیار او در امداد و نجات، حقیقت و کرامت انسانی^۱ باشد نه ملاحظات سیاسی، حزبی، نسبی، قومی و ... صلیب سرخ نیز به منظور بهره بردن از اطمینان همگانی، خود را موظف می‌داند در درگیری‌ها از هیچ طرفی جانبداری نکند و در هیچ زمانی در مناقشه‌های سیاسی، نژادی، مذهبی و یا ایدئولوژی شرکت نکند.

دو نمونه از رفتارهای جمعیت هلال احمر ایران، مبتنی بر اصل بی‌طرفی و بدون ملاحظه جنسیت، نژاد و دارایی را گزارش می‌کنیم:

نمونه اول: یکی از خدمات همه جمعیت‌های ملی صلیب سرخ یا هلال احمر در دنیا، «جست‌وجو و بازیبوندی خانواده» است. هلال احمر ایران نیز سال‌هاست که این فعالیت را با دقت انجام می‌دهد. پس از تغییر حکومت در افغانستان، پرونده‌های زیادی در جست‌وجو و مفقودیت افغان‌ها به‌خصوص کودکان در دفتر جست‌وجو و بازیبوند هلال احمر ایران گشوده شد. اغلب مفقودان در جریان پناهجویی در مرزهای ایران، ترکیه و اروپا از خانواده جدا افتاده بودند. تعداد این پرونده‌ها در دو سال گذشته قریب نیم‌میلیون است و همکاران ما هر روز برای به نتیجه رسیدن آنها تلاش می‌کنند. در آخرین مورد که در روزهای گذشته به موفقیت رسید، توانستیم «اسماعیل» شانزده‌ساله را که به تنهایی در کشور بلژیک پناهنده شده است با خانواده او در رفسنجان مرتبط کنیم. اسماعیل پسری افغانی است که دو سال پیش در یکی از مرزهای آبی موفق به فرار و رسیدن به اروپا شده، ولی خانواده او دستگیر و برگشت داده شده بودند. هم اسماعیل و هم خانواده‌اش در جست‌وجوی یکدیگر بودند و اداره جست‌وجو و بازیبوند خانواده هلال احمر توانست با تحقیق، نامه‌نگاری و اعزام امدادگر، اسماعیل را به خانواده‌اش برساند.^۲

نمونه دوم: باور می‌کنید اصلاً برای ما فرقی نداشت که چه کسی را درمان می‌کنیم. روزی یک خلبان عراقی را آوردند که بیهوش افتاده بود و نیاز شدید به خون داشت و اعلام کردند که گروه خون

۱. کرامت ذاتی انسان از منظر قرآنی امری مسلم و حتمی است.

۲. راضیه عالی‌شوندی معاون امور بین‌الملل و حقوق بشردوستانه جمعیت هلال احمر.

A منفی نیاز است و از شانس، گروه خون من هم این گروه خونی بود. بدون توجه به عراقی یا ایرانی بودن فرد به او خون دادم تا اینکه خلبان به هوش آمد و وقتی دید که یک ایرانی به او خون می‌دهد، سِت را درآورد و گفت من خون ایرانی نمی‌خواهم.^۱

در ادامه برخی از مهارت‌هایی که موجب می‌شود اصل بی‌طرفی در امداد و نجات رعایت شود و مداخله‌های غیرموجه را کاهش می‌دهد را بیان می‌کنیم.

یک. عکس‌پذیری

این تکنیک کارآمد و ساده است، به این معنا که امدادگر جای خودش را با فاعل اخلاقی عوض کند و سپس دوباره تشخیص اخلاقی انجام دهد. البته این عکس‌پذیری در موردی محقق می‌شود که برای طرف مقابل حق اخلاقی قائل شود. البته این تکنیک مفروض می‌گیرد که شخص با اراده جدی و علم درصدد شناخت نکات نهفتگی و فریب اخلاقی است.

در چهارچوب اسلامی، عکس‌پذیری صرفاً همدلی عاطفی عام نیست، بلکه یک «انضباط شناختی - اخلاقی» برای مهار سوگیری‌های هویتی در تصمیم‌های امدادی است که بر چند قاعده استوار می‌شود: الف) کرامت ذاتی انسان و حرمت نفس به‌مثابه معیار برتر در خطرات جانی: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»، (مائده / ۳۲)؛ ب) قاعده انصاف و سنت «دوست داشتن برای دیگری، آنچه برای خود می‌پسندی» که در قضاوت و داوری اخلاقی تعمیم می‌یابد («لا يؤمن أحدكم...»؛ ج) کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج‌البلاغه که مخاطب را به رعایت حق «یا أخی لک فی الدین أو نظیر لک فی الخلق» فرامی‌خواند؛ د) الزامات فقهی تقدیم حفظ نفس و دفع ضرر (اهم‌ومهم، لاضرر) به‌عنوان قیود تصمیم عملی. بدین ترتیب، «عکس‌پذیری» در اخلاق امداد، ابزار شرعی - اخلاقی تحقق بی‌طرفی هنجاری است: امدادگر موظف است در ارزش‌گذاری نجات، وضعیت مخاطب را همچون «خود» در معرض خطر ببیند، بی‌آنکه سوابق هویتی / سیاسی / قومیتی را وارد سنجش کند؛ زیرا در منطق شریعت، حفظ جان در مقام تزاحم، بر اغلب ملاحظات مقدم است.

برای عملیاتی‌سازی، «عکس‌پذیری» به صورت یک پروتکل کوتاه در صحنه بحران به کار می‌رود: گام‌های این پروتکل عبارت‌اند از:

گام ۱) تعلیق هویت‌ها: امدادگر پیش از تصمیم، هویت فرد حادثه‌دیده (دین / قوم / ملیت / گرایش) را عملاً نامربوط فرض می‌کند و فقط «شدت خطر / قابلیت نجات / منابع» را می‌سنجد؛

۱. خاطرات یک امدادگر خانم در هشت سال دفاع مقدس.

گام ۲) بازچینش زاویه دید: مسئله با سؤال معیار ارزیابی می‌شود: «اگر من یا عزیزم در همین وضعیت بودیم، با همین منابع، چه اولویتی عادلانه و پاسخ‌گو بود؟»؛

گام ۳) اعمال قیود شرعی - حرفه‌ای: تصمیم باید هم‌زمان اصل عدالت روپه‌ای (ثبت مستندات، قابل ممیزی بودن)، و مهار سوگیری‌های هیجانی (کظم غیظ، پرهیز از تندخویی) همراه باشد تا از «همدلی افراطی مخرب» و «جانبداری پنهان» پیشگیری شود.

نتیجه این پروتکل آن است که عکس‌پذیری به جای توصیه کلی، به یک «تکنیک تصمیم‌یار اسلامی» تبدیل می‌شود که بی‌طرفی هنجاری را در متن عملیات امدادی تضمین می‌کند و در عین حال، با قواعد فقهی تراحم و حفظ نفس سازگار است.

دو. مهارت کنار نهادن حب و بغض

حب و بغض، نظام تصمیم‌گیری فاعل اخلاقی را جهت‌دار می‌کند. پیش‌فرض تحقق اصلی بی‌طرفی در قضاوت‌های اخلاقی، عدم دخالت حب و بغض در قضاوت است. حب و بغض، میل، انگیزه و اراده فاعل اخلاقی را متمایل به جهت خاصی می‌کند و موجب می‌شود، امدادگر نتواند تصمیم درستی در موقعیت خطر بگیرد.

در منطق شریعت، «عدل» و «قسط» معیار پیشینی است و حب و بغض‌های شخصی، قومی یا مذهبی نباید در سنجش ارزش جان انسان دخالت کند. آیه «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَعْتَدُوْا وَتَعَاوَنُوْا عَلٰى الْاِيْمِ وَالْتَقَوٰى» معیار عام می‌دهد: دشمنی با گروهی، مجوز ترک عدالت نیست. سیره علوی نیز همین قاعده را در مقام داوری و اداره امر عمومی تثبیت می‌کند: «يَا اَخُ لَكَ فِي الدِّينِ اَوْ نَظِيْرُكَ فِي الْخَلْقِ»؛ یعنی کرامت انسانی و حق نجات، مقید به هویت‌ها نیست. از منظر فقهی، قواعد «تقدیم حفظ نفس»، «اهم‌ومهم» و «لاضرر» نیز نشان می‌دهد هرگونه ترجیح جانبدارانه که به اخلال در نجات اولی‌تر بینجامد، ناموجه و حرام است. بنابراین، «کنار نهادن حب و بغض» در اخلاق امداد صرفاً توصیه اخلاقی نیست، بلکه یک تکلیف حرفه‌ای برای تضمین بی‌طرفی هنجاری و جلوگیری از تبعیض در اولویت‌بندی نجات است.

برای عملیاتی‌سازی، واحد امداد باید یک «پروتکل ضد سوگیری» داشته باشد:

۱) پیش‌تعهد کتبی: همه اعضا پیش از مأموریت، به سه اصل امضا می‌دهند: بی‌طرفی هویتی، تقدّم شدت خطر و قابلیت نجات، و مستندسازی تصمیم.

۲) کورسازی حداقلی: تا حد ممکن، هنگام تریاژ بر برچسب‌های بی‌طرف (کد / عدد) تکیه شود نه هویت‌ها؛ اطلاعات غیرمرتبط (قومیت / ملیت / گرایش) وارد فرم تصمیم نشود.

۳) چک‌لیست لحظه تصمیم: الف) آیا معیار من «شدت آسیب / زمان طلایی / منابع» است؟ ب) آیا اگر این مصدوم دشمن من هم بود، همین اولویت را می‌دادم؟ ج) آیا جایگزین کم‌هزینه‌تری برای کاهش آسیب دیگری دارم؟

۴) نظارت هم‌تایان: تصمیم‌های مرزی به تأیید همکار دوم برسد؛ اختلاف، در «دفترچه تصمیم» ثبت و قابل‌ممیزی شود.

۵) مدیریت هیجان: اگر نشانه‌های خشم / شیفتگی شخصی دیده شد (تندخویی، صدای بلند، اصرار بدون دلیل)، امدادگر موظف است ۶۰ - ۹۰ ثانیه «وقفه سرد» بگیرد و سپس با استناد به چک‌لیست برگردد.

۶) چرخش نقش و ارزیابی پسامأموریت: نقش‌ها دوره‌ای عوض شود تا تمرکز قدرت تصمیم‌گیری کم شود؛ پس از مأموریت، نمونه‌ای از پرونده‌ها از نظر جانبداری احتمالی ممیزی و بازخورد آموزشی داده شود. این بسته رویه‌ای، حب‌وبغض را از سطح «میل فردی» به سطح «ریسک سازمانی قابل کنترل» تبدیل می‌کند و با اصول شرعی عدالت و حفظ نفس هم‌راستا است.

مبنای چهارم: بافت‌گرایی در قضاوت‌های اخلاقی جزئی

در اخلاق امداد و نجات سه روش عام در حل تزاخمت می‌توان متصور شد که هر کدام قائل و طرفدارانی دارد. قاعده‌گرایی، قرینه‌گرایی و موازنه متفکرانه به‌عنوان عام‌ترین روش‌های حل تزاخمت به شمار می‌آید.^۱ در اینجا با تطبیق آن در حوزه اخلاق امداد و نجات، به تحلیل و بررسی روش‌های عام حل تزاخمت در موقعیت‌های امداد و نجات می‌پردازیم.

یک. روش قاعده‌گرایی

رایج‌ترین روش در حل تزاخمت، روش قاعده‌گرایی است.^۲ براینده اخلاق امداد و نجات، مجموعه‌ای از

۱. این سه روش عام از حوزه مطالعاتی اخلاق کاربردی وام گرفته شده است.

۲. روش قاعده‌گرایی پیشینه زیادی در میان متفکرین غربی دارد. مطلق‌گرایی کانت، بارزترین نمونه از روش قاعده‌گرایی در حل تزاخمت اخلاقی حقوقی است. کانت معتقد است شما بایستی همیشه راست‌گو باشید و لو اینکه صداقت شما منجر به نابودی یک میلیون انسان شود. پیروان کانت مانند دیوید راس با ردّ مطلق‌گرایی کانت و این امر که اگر اصول اخلاقی را به نحو مطلق و بی‌قید و شرط معتبر بدانیم و به همه آن اصول، به یک چشم نگاه کنیم و اهمیت و مزیتی در بین آنها قائل نباشیم، مشکل تعارض حل‌ناشدنی خواهد بود، تلاش می‌کند تا این معضل را به‌گونه‌ای رفع نماید. او در این زمینه وظایف را، به‌گونه‌ای اولویت‌بندی می‌کند تا هنگام تعارض بتواند، آن وظیفه‌ای را که اولی و مهم‌تر است، مقدم بدارد؛ و در این راستا، وظایف را به وظایف ظاهری و واقعی، یا وظایف در نگاه نخستین و وظایف فعلی تقسیم می‌کند. بنابراین از نظر اخلاقی، هر فعلی دارای حکمی اولی است که با صرف نظر از اوضاع و احوال و خصوصیات و جهات دیگری که در حالات خاصی به موضوع می‌پیوندند، به آن حکم محکوم می‌شود. به‌عنوان مثال، وقتی که راست‌گویی را به‌خودی‌خود، در نظر بگیریم، می‌بینیم که واجب است، اما این وظیفه، وظیفه‌ای فعلی نیست؛ و ممکن است شرایط خاصی پیش بیاید که موجب تغییر این حکم شود. بنابراین افعال، با صرف نظر از شرایط عارضی، به حکمی محکوم هستند که حکم ابتدایی و ظاهری است و ممکن است، در اثر عروض حالات و پیدایش جهات دیگر، این حکم عوض شود؛ احکام در نگاه نخستین

قواعد و اصول اخلاقی (مبنای اول) است که مبنای تصمیم‌گیری و احکام فرعی قرار دارد. این قواعد بنیادین، تکلیف فرد را در موقعیت‌های رفتاری روشن می‌کند. این روش با سیر کلی به جزئی، ضمن اعتباربخشی به احکام فرعی، معضلات رفتاری را در دوره‌های اخلاقی روشن می‌کند. این روش بر دو پیش‌فرض مهم استوار است:

اول: وجود یک نظام قواعد بنیادین؛

دوم: نظام اولویت در قواعد بنیادین.

رجوع به قواعد ضرورت پیش‌فرض اول را روشن می‌سازد؛ اما پایه دوم هنگام تراحات قواعد با هم در یک موقعیت رفتاری روشن می‌شود. در یک موقعیت رفتاری، وفق اصل حفظ جان یک فرد، امدادگران بایستی به حریم خصوصی گروهی از مردم که در معرض خطر نیستند، وارد شوند؛ از سوی دیگر، وفق حقوق شهروندی و رعایت حریم خصوصی ورود به حریم مردم صحیح نیست. وظیفه اخلاقی امدادگران در این موقعیت چیست؟ نظام اولویت قواعد می‌تواند به فرد کمک کند تا در اینجا یک تصمیم‌گیری صحیح کند.

این روش علی‌رغم نظامند بودن و عملکرد توجیهی‌ای که دارد به دلیل ساختارگونه بودن از واقعیات اجتماعی، سنن، عادات و ... فاصله دارد و همین مسئله تصمیمات سیستم‌های امداد و نجات را در موقعیت‌های مشابه به خطر می‌اندازد. اینکه یک قاعده از متن دین استخراج شود و سپس بر جزئیات منطبق یابد، بدون اینکه مؤلفه‌های دیگر مانند فاعل، سنن، شخصیت، هویت افراد و ... دخالتی داشته باشد، در موقعیت‌های پیچیده امداد و نجات، تصمیم‌گیری را سخت کرده و عملاً بدون فایده خواهد بود. پیچیدگی‌های امداد و نجات مسئله را بسیار بغرنج‌تر می‌کند و ناکارآمدی قاعده‌گرایی در حل تراحات رفتاری را به خوبی نشان می‌دهد. برخی موقعیت‌های رفتاری دستگاه‌های مرتبط با امداد و نجات، پیچیدگی و چالش‌هایی را ایجاد می‌کند که روش قاعده‌گرایی توان حل این تراحات را ندارد.

دو. روش موقعیت‌محور (قرینه‌گرایی یا استدلال مبتنی بر مورد)

شناخت عمیق ما از موقعیت‌های خاص و درکی از سابقه موقعیت‌های مشابه، ما را در یک تصمیم‌گیری درست جهت‌دهی می‌کند. این روش مبتنی بر یک نظام قاعده نیست، بلکه مبتنی بر درک و شهود فرد امدادگر در موقعیت خاص است. این روش تمسک به قواعد را بی‌فایده و بلکه مضر می‌داند. تمثیل‌ها،

تنها به شرطی، فعلی می‌شوند که با مانعی برخورد نکنند. برای مثال، راست‌گویی تا وقتی وظیفه است که مستلزم به خطر انداختن جان انسان‌ها نباشد. بنابراین، در ظرف تعارض اصول اخلاقی، باید دید که کدام اصل اخلاقی، در آن شرایط، فعلی است و از اهمیت بیشتری برخوردار است. راس وظایف در نگاه نخستین را استثناپذیر می‌داند، اما در مورد الزام‌ها و وظایف فعلی، هیچ اصل استثنای‌پذیری را نمی‌پذیرد (بلوکی و مصلح‌نژاد، ۱۳۹۱: ۸۵ - ۸۴).

شباهت‌ها، الگوها، انواع دسته‌بندی و حتی شهود مستقیم تراحم را در یک موقعیت رفتاری حل می‌کند. این روش بر خلاف روش قاعده‌گرایی، از جزء به حل مسئله می‌رسد. استفاده از این روش در حیطه‌های امداد و نجات، مخاطرات زیادی را به همراه دارد. هر چند در این روش، از فضای انتزاعی فاصله گرفته، ولی در وادی قراردادگرایی و نسبی‌گرایی خواهیم افتاد. به چه روشی می‌توان تصمیم مبتنی بر شهود مستقیم یک نجاتگر در فلان موقعیت را سنجش کرد؟ در سیستم‌های سازمان‌یافته‌ای مانند سازمان امداد و نجات نمی‌توان چنین روشی را به‌عنوان یک روش عام و راه‌حل چالش‌های رفتار پذیرفت. توصیه به روش قرینه‌گرایی در حل این معضل، معقول نیست؛ زیرا میزان حساسیت شخصیتی فرد نسبت به مساله، در فرایند تصمیم‌گیری وی تأثیرگذار است و ممکن است فرد علی‌رغم امکان کسب اطلاعات از منبع دیگری، در فرایندی توجیه‌پذیر و خودفریبانه به این ارتباط ورود پیدا کند.

این روش مبتنی بر راه‌حل‌های متکثر خواهد بود و امکان مدیریت مؤثر صحنه را کاهش می‌دهد، لذا این روش در حوزه اخلاق امداد و نجات نامناسب خواهد بود.

سه. روش موازنه متفکرانه

در حل یک چالش رفتاری نه می‌توان نظام قواعد را نادیده گرفت و نه عوامل ناظر به واقعیت موجود در آن موقعیت رفتاری را با روش موازنه متفکرانه در جریانی دوسویه (سیر کلی به جزئی و جزئی به کلی) می‌توان از منافع قاعده‌گرایی بهره جست و ایرادات آن را نیز با قرینه‌گرایی ترمیم کرد. این کار با تنقیح قواعد اخلاقی امکان‌پذیر است. در این روش ارتباط میان هنجارهای کلی و تجربه‌های عینی و جزئی دوسویه است. روش موازنه متفکرانه میان احکام در موقعیت‌های عینی و تعهدات ما به این قواعد و احکام، ارتباطی دیالکتیکی قائل است. در این روش، توازن منسجم و ژرف‌کاوانه‌ای میان قواعد کلی و موارد جزئی برقرار است و همین مسئله موجب می‌شود همواره به بازنگری و اصلاح تفسیر مضمون قاعده نیازمند باشد. بر اساس نظام دینی، دروغ حرام است؛ اما با همین نگرش، یعنی ملاحظه قاعده کلی حرمت دروغ و موقعیت‌های جزئی، رسول گرامی اسلام، «توریه» را به‌عنوان راه‌حلی جهت برقراری توازن میان قاعده کلی حرمت دروغ و آن موقعیت خاص ارائه می‌دهد.

چهار. روش بافت‌گرایی

این روش ماهیت مستقلی ندارد. این روش مبتنی بر بافت و سیاق موقعیت تراحم است و بر این عقیده است که هر تراحمی مقتضی هر کدام از روش‌های سه‌گانه بالا بود، به همان روش مسئله را حل می‌کنیم. به نظر می‌رسد علی‌رغم عدم مقبولیت روش بافت‌گرایی در حوزه‌های بسیاری از اخلاق کاربردی، در حوزه امداد و نجات به دلیل تنوع مسائل، پیچیدگی‌ها، فوریت تصمیم‌گیری، نجات جان

انسان‌ها، می‌توان هر سه روش بالا را در حل مسئله‌های اخلاقی در امداد و نجات به کار گرفت. تیزی و دخالت قرائن حالیه و مقالیه در هنگام یک سیل مهیب یا زلزله‌ای چند ریشتری به قدری است که مسئولیت اجتماعی یک امدادگر اقتضا می‌کند در لحظه تصمیم بگیرد فلان سازه علی‌رغم وجود یک نفر ذیل آوار تخریب شود یا نه. اینجا تصمیم‌گیری اخلاقی به شدت با تجربه امدادگر وابستگی دارد و نمی‌توان صرفاً بر اساس قواعد انتزاعی اخلاقی تصمیم‌گیری کرد. به‌عنوان مثال به تجربه یک امدادگر توجه کنید:

چندین سال پیش، عازم عملیاتی شدیم که خانواده گرفتار در سیلابی را نجات دهیم. یک دستگاه خودرو با سرنشینان پدر و مادر و دو فرزند در سیلاب گیر کرده بودند. بعد از اینکه پدر و مادر خود را نجات داده بودند، آب دو فرزندشان را با خود برده بود. طی عملیات جست‌وجوی نجات، پس از حدود پنج ساعت توانستیم یکی از فرزندان را پیدا کنیم و او را از آب به منطقه خشکی انتقال دهیم. آن صحنه‌ای که هیچ‌گاه از ذهن من خارج نمی‌شود و همیشه از آن به‌عنوان بهترین خاطره کاری یاد می‌کنم، دقیق آن موقعی بود که دختر بچه کوچک را در آغوش گرفته بودم تا او را به خانواده‌اش که کنار آب ایستاده بودند، برسانم. وقتی کودک را به آغوش پدر و مادرش تحویل دادم، اشک شوق و برق خاصی در چشمانشان دیدم که هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم. همیشه وقتی که در عملیات‌ها ناراحت، گرفتار یا دلگیر می‌شوم به این خاطره فکر می‌کنم، حال خوب می‌شود و انرژی بیشتری می‌گیرم تا بهتر کار کنم.^۱

فرض کنید در چنین موقعیتی، امدادگر بین دو راهی نجات مادر یا نجات فرزند قرار گیرد. در چنین وضعیتی چه تصمیمی بهترین تصمیم اخلاقی است؟ به نظر می‌رسد هر یک از روش‌های سه‌گانه قاعده‌گرایی، قرینه‌گرایی و موازنه متفکرانه، پاسخی را پیش کشد، ولی آنچه می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد برای چنین موقعیت‌هایی مدنظر قرار گیرد، رویکرد بافت‌گرایی است؛ به این معنا که امدادگر بر اساس بافت مسئله اصل اخلاقی یا نظریه یا قرینه‌ای را ملاحظه کرده، بهترین نوع تبیین را بتواند ارائه دهد.

نتیجه

از منظر روش‌شناختی، حل مسئله اخلاقی در حوزه‌های کاربردی مثل امداد و نجات نیازمند به اتخاذ موضع در پیش‌فرض‌ها و مبانی آن است. با این نگاه، حداقل سه پرسش فرعی ذیل پرسش اصلی «مبانی نظری اخلاق امداد و نجات کدام است؟» قابل طرح است:

۱. خاطرات امدادگر هلال احمر، مجید زارع، به نقل از:

۱. مبنای هنجاری اخلاق امداد و نجات چیست؟ ۲. اصول عام اخلاقی در اخلاق امداد و نجات کدام است؟ (اصل مبنایی که اصول دیگری را می‌توان از آن استنتاج کرد). ۳. راهبرد کلان در حل نزاحمات اخلاقی در موقعیت‌های خطیر امداد و نجات کدام است؟

مبنای هنجاری اخلاق امداد و نجات مبتنی بر یک رویکرد اصل‌محور است که بپذیرد برخی هنجارها یا رهنمودهای عملی در استدلال اخلاقی محوریت دارند. برخی از این هنجارها ممکن است از اصول تلقی شوند، برخی دیگر ممکن است از قواعد باشند. دو مورد عام این اصول عبارت‌اند از مسئولیت‌پذیری و بی‌طرفی. مسئولیت‌پذیری که ناشی از اختیار و خودآگاهی امدادگر باشد، وی را نسبت به ریسک‌پذیری موجه و دغدغه‌مندی سوق می‌دهد. یک سازمان مبتنی بر امداد و نجات هرچه مسئولیت‌پذیری سازمانی و منابع انسانی در سازمان را افزایش دهد، به همان میزان؛ قانونمند، قابل پیش‌بینی، اعتمادآفرین و موفق خواهد بود. از سوی دیگر، مراد از اصل بی‌طرفی در امداد و نجات این نیست که امدادگر نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و آرمان‌های خویش بی‌طرف باشد، بلکه اصل بی‌طرفی در اینجا به این معناست که با توجه به تعهدی که امدادگر به حقیقت دارد، معیار او در امداد و نجات، حقیقت و واقع‌گرایی باشد نه ملاحظات سیاسی، حزبی، نسبی، قومی و ...

در مبنای روش‌شناسی حل تعارض در اخلاق امداد و نجات، به نظر می‌رسد علی‌رغم عدم مقبولیت روش بافت‌گرایی در حوزه‌های بسیاری از اخلاق کاربردی، در این حوزه به دلیل تنوع مسائل، پیچیدگی‌ها، فوریت تصمیم‌گیری، نجات جان انسان‌ها، هر سه روش بالا را بتوان در حل مسئله‌های اخلاقی در امداد و نجات به کار گرفت. تیزی و دخالت قرائن حالیه و مقالیه در هنگام یک سیل مهیب یا زلزله‌ای چند ریشتری به قدری است که مسئولیت اجتماعی یک امدادگر اقتضا می‌کند در لحظه تصمیم بگیرد فلان سازه علی‌رغم وجود یک نفر ذیل آوار تخریب شود یا نه. اینجا تصمیم‌گیری اخلاقی به شدت با تجربه امدادگر وابستگی دارد و نمی‌توان صرفاً بر اساس قواعد انتزاعی اخلاقی تصمیم‌گیری کرد؛ لذا به هر سه رویکرد به‌عنوان راهبردهای کلان در حل مسائل اخلاقی امداد و نجات نیازمند هستیم و اینجاست که رویکرد بافت‌گرایی اولویت می‌یابد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابراهیمی‌نژاد، مهدی؛ محبوبه عسکری و سجاد سیوندی‌پور (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر میزان اثربخشی تیم در زمان وقوع بحران مطالعه موردی؛ تیم‌های عملیاتی جمعیت هلال احمر استان کرمان.

مدیریت بحران. ۱۸ (۹). ۵۶ - ۴۵.

- اسلامی، محمدتقی (۱۳۹۳). شناسنامه علمی اخلاق کاربردی. *پژوهش‌نامه اخلاق*. ۲۵ (۴). ۲۲ - ۷.
- اسلامی، محمدتقی (۱۴۰۰). *مدل‌های اخلاق کاربردی: پژوهشی روش‌شناختی*. (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و حوزه علمیه قم). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بلوکی، افضل و محمدعلی مصلح‌نژاد (۱۳۹۱). تزاخم‌های اخلاقی از دیدگاه دیوید راس و بررسی و نقد آن با تکیه بر متون دینی. *پژوهش‌نامه اخلاق*. ۱۸ (۴). ۱۰۲ - ۷۷.
- پینکافس، ادموند ال؛ سید حمیدرضا حسنی؛ مهدی علی‌پور و محمد لگنهاوزن (۱۳۸۲). *از مسئله محوری تا فضیلت‌گرایی*. قم: دفتر نشر معارف.
- جان رالز (۱۳۷۶). عدالت و انصاف، و تصمیم‌گیری عقلانی. ترجمه مصطفی ملکیان. *نقد و نظر*. ۱۱ - ۱۰ (۳). ۹۳ - ۸۰.
- جوانمردی، مهدی؛ محمدحسین روحیان و صادق کاظمی (۱۳۹۹). پیش‌بینی اهمال‌کاری شغلی با فرسودگی و رضایت شغلی در جمعیت هلال احمر استان فارس سال ۱۳۹۷. *روان‌شناسی و علوم رفتاری ایران*. ۲۹ (۴). ۱۱ - ۱.
- دانش، جواد (۱۳۹۷). *مسئولیت اخلاقی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- علی‌زاده مقدم بیرکی، محمدرضا و مجتبی الهی خراسانی (۱۴۰۲). امداد و نجات در موقعیت پرمخاطره و بیماری‌های واگیردار از منظر فقه امامیه. *آموزه‌های فقه مدنی*. ۲۷ (۴). ۲۱۸ - ۱۸۹.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۹). *درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای*. تهران: سرآمد (وابسته به مؤسسه مطالعات بهروری منابع انسانی).
- کشاورزترک عین‌الله و مهدی نیکویه (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی کارکنان جمعیت هلال احمر با رویکرد آینده‌نگاری راهبردی. *امداد و نجات*. ۸ (۱).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۶). *الکافی*. تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. سازمان چاپ و نشر.
- منشور اخلاقی جمعیت هلال احمر. سایت هلال احمر.
- نادری لردجانی، محمد و مریم چرامی (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش فراشناختی بر کیفیت زندگی و سرسختی روان‌شناختی امدادگران هلال احمر. *روان‌شناسی مثبت*. ۲۴ (۴). ۱۰۳ - ۹۳.
- نجیبی، محمدعلی و عبدالرحمن حیدری (۱۳۹۸). امداد و نجات غیرمسلمان از دیدگاه فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام. *مطالعات فقه امامیه*. ۱۳ (۴). ۱۰۱ - ۸۷.

مبانی هنجاری اخلاق حرفه‌ای امداد و نجات؛ رهیافتی روش‌شناختی به سه پرسش بنیادین □ ۱۶۵

- نیک‌زاد، جمشید؛ پری مشایخ؛ حمیدرضا معتمد و علیرضا قاسمی‌زاد (۱۳۹۹). ارزیابی عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت بحران؛ مطالعه موردی جمعیت هلال احمر استان مازندران. *مداخلات در بحران و ارتقا سلامت روان*. ۴ (۱). ۲۶ - ۱۹.

- هوشنگی، نوید و حسین رستمی (۱۳۹۹). شبیه‌سازی عامل مبنای عملیات امداد و نجات در حملات هوای پایه با تأکید بر تخصیص وظایف بین گروه‌ها. *پدافند غیرعامل*. ۴۳ (۴). ۵۳ - ۳۹.

- Beauchamp, Tom L, and Childress, James F. (2009). *Principles of Biomedical Ethics*. 6th Edition. New York. Oxford University Press.
- Childress, J. F., A Principle - based Approach, 2009. *A Companion to Bioethics*. book auth. Kuhse Helga and Peter Singer. Blackwell.
- <https://www.redcross.org>





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی